



دلیل بر خوردهای غیر متعارف چیست؟

جلال محمودزاده، نماینده مهیاداد بر تذکر شفاهی خطاب به وزیر کشور نوشت: «اخیراً شاهد بر خوردهای غیر متعارف و غیر قانونی افرادی تحت عنوان حجاب‌بان یا گشت ارشاد در قالب طرح نور با بانوان و دختران دانشجو در سطح کشور هستیم.» وی در ادامه افزود: «متأسفانه این بر خوردها با ادعای اجرای قانون صورت می‌گیرد این در حالی است که قانون عفاف و حجاب که به‌دلیل داشتن ایرادات قانونی، شکلی و شرعی بارها توسط شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفته و هنوز هم نهایی نشده است، لذا جناب وزیر سوال اینجاست که به استناد کدام قانون مأمورین به خودشان اجازه می‌دهند که با این شیوه با بانوان برخورد کنند؟»

ادامه سر مقاله

ویدئوهایی که با اعتمادبه‌نفس کامل وعده‌های قطعی داده می‌شد هر روز بازنشر می‌شوند. نه فقط ایشان بلکه وزرای دولت هم کمابیش چنین وعده‌هایی دادند، مثل اینکه اگر هیچ کاری نکنیم تورم ۱۵ درصد کم خواهد شد.

وضعیت روابط خارجی، فروش نفت، اقدامات عجیب در حوزه فرهنگ، مسئله بازگشت گشت ارشاد، مسئله حراست‌ها و محدودیت‌ها به دانشجویان و مبنای قانونی بودن این اقدامات محدودکننده، مسئله بسیار مهم فساد و علل چرایی وقوع فساد جای دیش و پیش از آن فساد در واردات نهاده‌های دامی، چرایی مسکوت گذاشتن آن، موضوع مهم وضعیت آینده منابع گازی و نفتی کشور و قرارداد عجیب ۱۳ میلیارد دلاری پیش از نوروز، سیاست‌های اقتصادی و اینکه آیا اصولاً سیاستی معنادار و منسجم وجود دارد یا خیر؟ اگر هست، چیست؟ دستاوردهای سفرهای استانی در غیاب جلسات کارشناسی چگونه توجیه‌پذیر است؟

اجرای طرح فرزندآوری و هزیننه‌های فراوان و تورم‌زای آن چه دستاوردی داشته است؟ آیا می‌توانید تحلیلی از سرنوشت و هزینه‌ها و منافع این طرح ارائه دهید؟ ارزیابی شما از آینده وضعیت حجاب چیست و تا کی قرار است که چنین سیاست‌هایی ادامه پیدا کند؟ وضعیت

نهاد بهداشت و درمان و اعتراض کادرهای درمانی و پزشکی و حتی افزایش چشمگیر خودکشی و نیز مهاجرت آنان را چگونه می‌بینید؟ مطالبات بازتنشنگان و آموزگاران به کجا خواهد رسید؟ از وضعیت استخدام‌ها و طرح موضوعات غیر مرتبط با حوزه شغلی تا چه اندازه آگاهی دارید؟ مسئله دینداری و افول شاخص‌های آن را چگونه تحلیل کرده و نقش و سهم عملکرد دولت را چه می‌دانید؟ وعده‌ها در موضوع اینترنت و رفع مشکلات و افزایش سرعت اینترنت را با وضعیت کنونی چگونه توجیه می‌کنید؟ وضعیت فلاکت‌بار رسانه رسمی و ناتوانی ساختار آن به بازگویی رسانه چگونه تحلیل می‌شود؟ و برای همه این پرسش‌ها چه راه‌حل‌هایی نظر دارید و در کدام مورد گامی مفید و مؤثر برداشته‌اید؟

علت تغییرات دولت و رفتن و آمدن وزرا و مسئولین دیگر از جمله رؤسای بانک مرکزی و سازمان برنامه در این ۳۰ ماه گذشته چه بوده؟ آیا این ناشی از فقدان رویکردی معین در اقتصاد و اختلافات درون دولت است؟ سیاست مولدسازی به کجا رسید؟ مردمی ساختن رشد اقتصادی چطور؟ چگونه است که به جای مردمی ساختن و افزایش مشارکت مردم در اقتصاد در اولین گام دنبال خرید دیجی کالا می‌روند و بعد هم دوباشگاه اصلی کشور را به شرکت‌های دولتی می‌خواهند و اگذار کنند؟ این دستوری که برای مردمی کردن اقتصاد صادر شد، به کجا رسید؟ مسائل امنیتی کشور، به‌ویژه در بلوچستان چگونه است؟ سیاست‌ها و مهمتر از آن عملکردهای دولت برای فقرزدایی و ایجاد امید میان مردم منطقه

چيست؟ به‌طور کلی دولت چه چیزی اضافه‌ه کلیات که همیشه ناامیدکننده هستند، می‌تواند ارائه کند که مردم و جوانان را به آینده امیدوار نماید؟ اینها موارد دیگری که برای جلوگیری از طولانی شدن ذکر نشده است، پرسش‌های بی‌حقی است که نیازمند پاسخ دادن است. لذا در همین جا و در چه اول از سوی سردبیری «هم‌میهن» از آقای رئیس جمهور در خواست یک گفت‌وگوی چالشی و آزاد داریم. گفت‌وگویی که به شفافیت این موارد کمک کند و اگر به هر دلیل نمی‌تواند یا نمی‌خواهند به این پرسش‌های عادل پاسخ دهند، می‌توان از وزرای ذیربط یا دیگر مقامات کابینه و سخنگوی دولت انتظار داشت که به این درخواست پاسخ مثبت دهند. این پاسخگویی نشانه‌ای خواهد بود از میزان اعتماد به نفس دولت؛ و نشان می‌دهد که دولت در متن است و نه در حاشیه.



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

پس از برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ایران، ابوالحسن بنی‌صدر در سی‌ام بهمن ماه ۱۳۵۸ با دریافت حکمی از سوی امام خمینی، به سمت فرماندهی کل قوا منصوب می‌شود، جایگاهی که تا ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ در اختیار او بود؛ موضوعی که باعث شد تا در ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و تقریباً ۹ ماه اول جنگ ایران و عراق، بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا از تصمیم‌گیران اصلی در حوزه عملکردی نیروهای مسلح ایران باشد و البته دوره‌ای پرتنش که بحث‌ها حول آن بسیار است، رقم بخورد. این روزها فیلمی در سینماهای کشور با نام «آسمان غرب» در حال اکران است که مربوط به مقطعی از زندگی تا شهادت علی‌اکبر شیروودی است. یکی از نکات مهمی که در این فیلم اشاره‌ای گذرا به آن می‌شود، موضوع سرپیچی شهید شیروودی از دستور ابوالحسن بنی‌صدر برای تخلیه پادگان هویزه و انهدام انبار مهمات بوده که پس از آن با ایستادگی این شهید و دو خلبان دیگر مقابل ارتش عراق همراه می‌شود و البته پس از آن فعل و انفعالاتی از سوی شهید شیروودی و بنی‌صدر انجام می‌شود که در نهایت منجر به کینه‌توزی بنی‌صدر شده و برخورد با یکی از ستاره‌های نیروی هوایی ارتش ایران تا پیش از شهادت هم از سوی رئیس جمهوری وقت ادامه پیدا می‌کند.

▼ بنی‌صدر و نیروهای مسلح

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که اصولاً ابوالحسن بنی‌صدر در دوره‌ای که فرماندهی کل قوا را بر عهده داشته، ارتباط خوبی با ارتش و سپاه ایجاد نکرده بود؛ (البته با توجه به سرنوشتش به‌عنوان رئیس جمهور ایران و نسبتش با جمهوری اسلامی در سال‌های پس از آن، طبیعتاً خاطره‌گویی منفی نسبت به او بیش از حد معمول است اما کمتر کسی چه مخالف و چه موافق شرایط موجود جمهوری اسلامی وجود دارد که تجربه همراهی با او در دوران پیش از انقلاب و پس از انقلاب را داشته و از خلق و خوی تکرو و رفتارهای گاه‌تند او انتقاد نکرده باشد؛ نمونه‌اش محمد توسلی و هاشم صباغیان، موضوعی که پیش از حمله عراق به ایران آغاز شد و در تمام دورانی که بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت، در شکل‌های کلان ادامه داشت، به بهانه اشاره کوتاهی که در فیلم آسمان غرب به مشکلات بنی‌صدر با نیروهای مسلح ایران شده است، در این گزارش نگاهی به چهار محور مهم پیرامون بنی‌صدر و نیروهای مسلح ایران داشته‌ایم. ابتدا به ماه‌های پیش از حمله عراق به ایران اشاره خواهد شد و سپس به دو ماجرای بنی‌صدر با شهیدان شیروودی و صیاد شیرازی اشاره می‌شود و در پایان اشاره‌ای به دستوری عجیب از سوی بنی‌صدر علیه سپاه خواهد شد؛ مواردی که می‌تواند عمق غرور، کینه‌توزی و خودداری بودن اولین رئیس جمهوری ایران را یادآور شود.

▼ عدم توجه به اخطارها

آنگونه که بر خی از فرماندهان جنگ گفته‌اند، پیش از حمله عراق به ایران از سوی آنها به بنی‌صدر اخطار داده شده بود که عراق در تدارک حمله به ایران است اما او توجهی به این ماجرا نداشته و همین عدم توجه باعث شده تا با حمله عراق، نیروهای نظامی ایران دچار مشکل شوند. برای مثال سیدیحیی رحیم‌صفوی، فرمانده اسبق نیروی زمینی سپاه در کتاب خاطرات خود گفته است: «نظام نپوایی جمهوری اسلامی ایران در آغاز جنگ تحمیلی از وضعیت سیاسی مطلوبی برخوردار نبود. از لحاظ نظامی نیز ارتش انسجام خوبی نداشت و از یک تفکر عقلانی، فکر طراحی عملیات و به‌خصوص اطلاعات لازم در درون آن، خبری نبود و فرماندهان آن‌ها از طرح‌های گسترش لشکرها در مناطق خوزستان اطلاعات کافی نداشتند. سپاه پاسداران هم یک نهاد تازه تأسیس بود و هنوز تجربه جنگ با یک کشور خارجی را نداشت؛ هر چند برای مدت یک‌سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جنگ با ضد انقلاب در کردستان تجربه‌های عملیاتی و نظامی خوبی کسب کرده بود، اما نه ارتش و نه سپاه آمادگی یک جنگ تمام‌عیار کلاسیک را نداشتند. بنی‌صدر هم که با شروع جنگ تحمیلی هفت ماه از حکم او در سمت فرماندهی کل قوا می‌گذشت، با توجه به افکار و اهداف گروهک‌های ضدانقلاب در تضعیف نهادهای انقلابی، هیچ تلاشی در تقویت و انسجام نیروهای مسلح نکرد و در حالی که رژیم بعث و استکبار جهانی در تدارک و مهیا ساختن یک حمله سنگین به ایران بودند، در داخل کشور با توجه به همه هشدارها و تذکراتی که به شخص رئیس‌جمهور داده شد، این هشدارها به نتیجه نرسید و جنگ در شرایطی آغاز شد که هرگز آمادگی رزمی در قوای نظامی وجود نداشت.»

شهید احمد متوسلیان هم بنابر آنچه در کتاب در انتهای افق به قلم حسین بهزاد نوشته شده، اینگونه روایت کرده است: «یک ماه قبل از شروع جنگ جلسه‌ای در اتاق جنگ لشکر ۸۱ رزمی کرمانشاه به ریاست بنی‌صدر تشکیل شد. در این جلسه آقایان ظهیرنژاد و صیاد شیرازی به همراه فرماندهان ارتشی ۳۰ منطقه نظامی از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و نیز برادران محسن رضایی و محمد بروجرودی به اتفاق مسئولان سپاه در کل منطقه غرب حضور داشتند. در این جلسه فرمانده سپاه قصرشیرین به وضعیت بسیار بد نیروهای مادر مرزها و حملات مکرر ارتش عراق به پایگاه‌های مرزی اشاره کرد و گفت دشمن در این منطقه از خیلی وقت پیش شروع به ساختن استحکامات نظامی کرده است و ما حتی کمترین آمادگی رزمی را نداریم. در نهایت از بنی‌صدر سوال شد که اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند شما چه تدبیری برای دفاع دارید؟ بنی‌صدر گفت عراق هرگز

فرمانده معمور

بازخوانی ۱۴ برخورد ابوالحسن بنی‌صدر
و نیروهای مسلح ایران به بهانه اکران
فیلم «آسمان غرب»



شهید احمد متوسلیان:

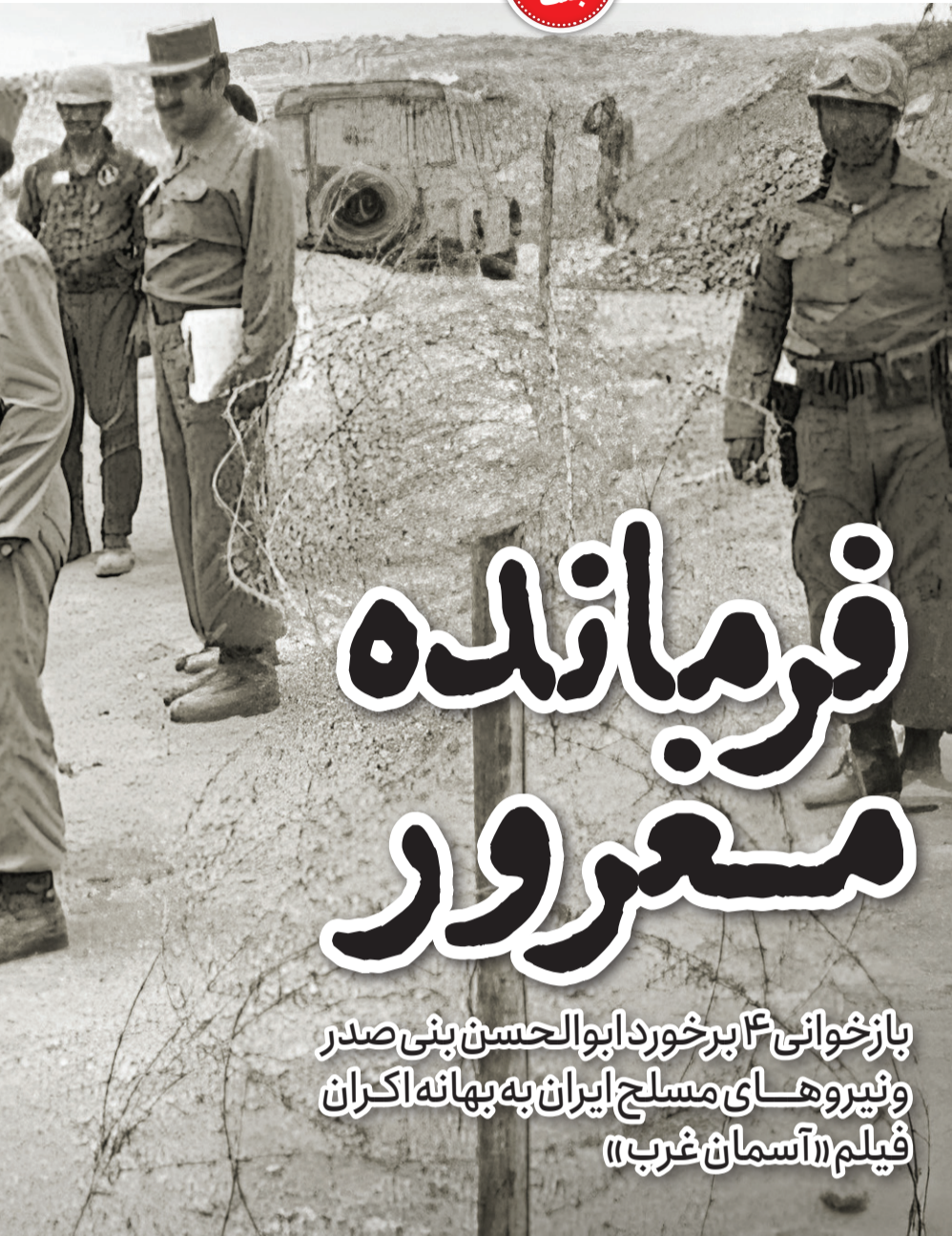
از بنی‌صدر سوال شد که اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند شما چه تدبیری برای دفاع دارید؟ بنی‌صدر گفت عراق هرگز جرأت چنین کاری را ندارد.

بروجردی گفت اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند و شهر را بگیرد شما برای مقابله با چنین مسئله‌ای چه تدبیری دارید؟ بنی‌صدر مجدداً گفت عراق هیچ وقت چنین غلطی نمی‌کند

▼ ماجرای بنی‌صدر و شهید شیروودی

حمله عراق به ایران تازه شروع شده و مرزها درگیر هجومی همه‌جانبه از جانب ارتشی هستند که حمایت شرق و غرب را برای حمله به خاک ایران به همراه دارد. هر چند هدف ابتدایی استان خوزستان است اما هم‌زمان نبرد در تمام مرزهای غربی کشور به گستردگی در جریان است و کرمانشاه یکی از استان‌هایی به شمار می‌رود که با شدت تمام زیر آتش دشمن متجاوز قرار گرفته است. در چنین وضعیتی اتفاق مهمی در نیروی هوایی رخ می‌دهد و یکی از درجه‌داران به صورت رسمی مقابل ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری وقت و فرمانده کل قوا قرار می‌گیرد. امیر خلبان بدالله واعظی مهر ۱۳۹۷ در مراسمی که در زنجان برگزار شده بود، درباره اولین درگیری بنی‌صدر و علی‌اکبر شیروودی گفته است: «دوم مهرماه، نیزپس از اقامه نماز دوباره پرواز کردیم و عملیات را انجام دادیم و دوباره برگشتیم؛ وقتی به پایگاه برگشتیم؛ شهید شیروودی در آنجا حضور داشت که با دیدن ما از وضعیت سوال کرده و وضعیت را برای ایشان تشریح کردیم. در نهایت پس از توضیحات

روایت جنگی



ما شهید شیروودی با شهیدرجایی که نخست‌وزیر بود؛ تماس گرفت و شرایط را برای او تشریح کرد؛ در نهایت به پیشنهاد شهید رجایی؛ شهید شیروودی به بنی‌صدر زنگ زد؛ اما در آن مکالمه تلفنی که در واقع تشریح واقعه بود؛ مکالمه تندی صورت گرفت و نمی‌دانم بنی‌صدر چه جمله‌ای به شهید شیروودی گفت که شهید شیروودی تلفن را قطع کرد و گفت: «به درک!» پس از این مکالمه تلفنی شهید شیروودی گفت؛ بچه‌ها کسی به فکر ما نیست و ما باید خودمان مقاومت کنیم و نگذاریم عراقی‌ها این سمت بیایند؛ که تا خون در رگ‌های ماست؛ اجازه چنین کاری را به آنها نخواهیم داد.»

اما یکی دیگر از روایت‌ها از سوی یکی از افرادی نقل شده که در آن لحظه کنار شهید شیروودی بوده است، محمد کشتمنند، در گفت‌وگویی که مهرماه ۱۴۰۰ با پایگاه اطلاع‌رسانی نوید شاهد انجام داده، ماجرا را اینطور تشریح کرده است: «من در آن زمان به‌عنوان نماینده درجه‌داران در آن جلسه حضور داشتم و شاهد این بودم که بنی‌صدر گفت باید پادگان تخلیه شود و انبار مهمات را باید منهدم کرده و وسایل زرهی و نقلیه را از پادگان خارج کنید. در این میان یکی از خلبانان شجاع هوانیروز به یکباره برخاست و با کمال شهامت و شجاعت در برابر بنی‌صدر ایستاد و گفت: ما به یاری خدا و ولایت فقیه رهبر فرزانه امام خمینی و حمایت مردم تا آخرین قطره خون از انقلاب دفاع می‌کنیم و نمی‌گذاریم حتی یک وجب از خاکمان به دست دشمن بیفتد.»

پس از اینکه تلفن قطع می‌شود، علی‌اکبر شیروودی با همراهی دو خلبان دیگر تهاجم به نیروهای دشمن را با دو فرزند هلی‌کوپتر آغاز می‌کنند و طی نبردی ۱۲ ساعته ضربه‌های سهمگینی را به ارتش عراق وارد می‌کنند، ماجرابی که به سرعت روایت آن به تهران رسیده و بنی‌صدر را وادار به واکنش می‌کند. فرمانده کل قوا در تاریخ نهم مهرماه ۱۳۵۹ دستور ترغیع درجه را برای علی‌اکبر شیروودی از ستوانیار سوم خلبان به درجه ستوان سوم خلبان صادر می‌کند اما شیروودی نامه‌ای نوشته و این ترغیع را قبول نمی‌کند: «اینجانب که خلبان پایگاه هوانیروز کرمانشاه هستم و تاکنون برای احیای اسلام و حفظ مملکت اسلامی در کلیه جنگ‌ها شرکت نموده‌ام، منظوری جز پیروزی اسلام نداشته و به دستور رهبر عزیزم به جنگ رفته‌ام. لذا تقاضا دارم در چه تشویقی که به اینجانب داده‌اند، پس گرفته و مرا به درجه ستوانیار سومی که قبلاً بوده‌ام، برگردانید. در صورت امکان امر به رسیدگی این درخواست بفرمائید. با تقدیم احترامات نظامی.» ابرج میرزایی، یکی از هم‌رزم‌های شهید شیروودی هم اردیبهشت ۱۴۰۰ در مصاحبه با روزنامه جوان گفته بود: «شهید فلاحی به سالن همایش پادگان تشریف آورد و شیروودی را آنجا دید و خطاب به ایشان درباره بازگرداندن درجه‌های تشویقی اش گفت تیمسار من برای حفظ نظام پرواز می‌کنم، نه برای تشویق، نه برای پول و نه برای درجه.»

دو سرپیچی از دستور، باعث می‌شود تا ناراحتی بنی‌صدر از شیروودی اوج بگیرد و به‌دنبال بهانه‌ای باشد تا با او برخورد کند. دی‌ماه ۱۳۵۹ شیروودی طی عملیاتی ارتفاعات بازی‌دراز در همان منطقه از پس می‌گیرد اما این بار به جای تشویق، رفتاری عجیب از